

نگاهی به روایت‌های داستانی در ادیان

21 فروردین 1391

علی فرح‌بخش / رادیو کوچه

داستان و داستان‌پردازی در جهان، ریشه‌ای کهن دارد. به نظر می‌رسد که در قرن‌های گذشته‌ی تاریخ بشری، داستان‌گویی، روشی بوده‌است برای آموزش نسل‌های بعد. با نگاهی به کتاب‌ها و مدارک مذهبی و دینی هم، این مهم را در می‌یابیم.

در جوامع باستانی، روایت‌های تجربی و گاه خیالی، به شکل داستان نمود پیدا می‌کرد و حتا با پیدایش خط، نه تنها این موضوع کمرنگ نشد، بلکه شکل منسجم‌تری به خود گرفت.

در سه کتاب مذهبی برجسته از ادیان ابراهیمی یعنی «عهد عتیق»، «عهد جدید» و «قرآن»، روایت‌های داستانی بسیاری به چشم می‌خورد که بیشتر آن‌ها ماجرای زندگی پیامبران ادیان ابراهیمی‌ست که در کنار تثبیت تاریخ یکتاپرستی، پیشینه‌ای از آن به صورت داستانی بیان می‌شود.

در ادیان غیر ابراهیمی نظیر آیین «هندو»، کیش «بودایی»، «شینتویسم» و «دائویسم» نیز روایت‌های داستانی بسیاری وجود دارد که به نظر می‌رسد به دلیل افسانه‌ای بودن بسیاری از آن‌ها، بیش‌تر جنبه‌ی آموزشی دارند، هر چند از میان همین افسانه‌های کهن، می‌توان حقایق تاریخی بسیاری را در خصوص یک دوره‌ی خاص، بیرون کشید، مانند شرایط اجتماعی، اصطلاحات عامیانه یا ضرب‌المثل‌ها، تاریخ و غیره. اما بیش‌تر از هر چیز، آنچه روایت‌های داستانی در بردارند، آموزش غیرمستقیم به پیروان آن دین و آیین است.

در دوره‌ای که بیش‌تر افراد جامعه، بی‌سواد بوده و قدرت خواندن و نوشتن نداشتند، بهترین راه انتقال مفاهیم آیینی از طریق داستان بوده‌است، خواه این روایت‌ها و داستان‌ها واقعی بوده‌باشند و خواه خیالی و افسانه‌ای.

حتا در ایران بعد از اسلام هم می‌توان مشاهده کرد که عارفان و بزرگانی چون «جلال‌الدین محمد بلخی»، «سعدی»، «فردوسی» و بسیاری دیگر از شاعران سده‌های گذشته، نه تنها از نظم برای بیان دیدگاه‌های خود استفاده می‌کردند، بلکه استفاده از داستان برای بیان مفهوم را هم نادیده نمی‌گرفتند. از مشهورترین این موارد می‌توان به حکایات «گلستان» و «مثنوی معنوی» اشاره کرد که در پی هر داستان و روایت، پندی متناسب با آن بیان می‌شود.

همان‌طور که ذکر شد در کتاب‌های مقدس ادیان ابراهیمی نظیر اسلام، یهودیت و مسیحیت، داستان‌ها بیشتر جنبه‌ی استحکام تاریخ انبیا را دارند و در کنار آن نیز به مسائل پندآموز اشاره شده‌است. اما در دیگر ادیان نظیر ادیان غیر ابراهیمی و دین‌های آغازین، داستان‌ها بیشتر بار آموزشی دارند و میزان افسانه‌ای بودن‌شان بیشتر مشهود است.

شرح و بیان داستان‌های آمده در کتاب‌های مقدس ادیان ابراهیمی نظیر قرآن، تکرار مکررات است، لذا نگاهی می‌اندازیم به چند کتاب مقدس ادیان کهن مشرق زمین که سرشار از داستان و روایت‌های داستان‌گونه هستند.

در آیین «شینتو» (Shinto) که مذهب باستانی سرزمین ژاپن محسوب می‌شود، کتاب مقدس ثابتی وجود ندارد، البته این به آن معنا نیست که در شینتو هیچ اثر مکتوبی یافت نمی‌شود. از جمله معتبرترین کتاب‌های مذهبی آیین شینتو، کهن‌نامه‌ای به نام «کوجیکی» (Kojiki) است که حاوی قدیمی‌ترین اساطیر و تاریخ آغازین مردم ژاپن است. این سند، کهن‌ترین گزارش تاریخی موجود در ژاپن می‌باشد که تاریخ آن به 712 میلادی بازمی‌گردد. «کوجیکی» سرشار از داستان «کامی»ها (Kami) یا خدایان افسانه‌ای ژاپن است.

«مهابهارت» (Mahabharata)، قدیمی‌ترین منظومه‌ی کبیر حماسی هندوستان است که از آن به‌عنوان یک سند آیینی هندویسم یاد می‌شود. تاریخ نگارش این اثر به‌وضوح مشخص نیست و به باور بسیاری از پژوهشگران، این منظومه یک سیر نگارشی طولانی را طی کرده و بخش‌های بسیاری به آن افزوده شده تا به‌شکل تقریباً ثابتی درآمده‌است. تمام این کتاب در یک زمان تنظیم نشده و محصول فکر یک شاعر یا یک متفکر نیست. بعضی محققان بر این باورند که داستان‌های موجود در این منظومه به دوره‌ای بسیار قدیم، حتا دوره‌ی «ودایی» (Veda/Vedic) مربوط می‌شود. به‌عبارت دیگر، قرن‌ها پیش از تنظیم «مهابهارت»، بیشتر داستان‌هایی که در این کتاب آمده، وجود داشته و بعدها مولفان و گویندگان این حماسه، طی قرن‌های مختلف آن داستان‌ها را مبنای کار و اندیشه‌ی خود قرار دادند و پس از قرن‌ها، این منظومه به‌صورت فعلی درآمده‌است. این اثر عظیم، سرشار از داستان‌ها و روایت‌های خدایان هندو و مملو از پندهای اخلاقی کهن است که از مشهورترین آن‌ها می‌توان به داستان «آرجونا» (Arjuna) و «کریشنا» (Krishna) در «به‌گود گیتا» (Bhagavad Gita) اشاره کرد که صحنه‌ی نبرد را توصیف می‌کند و

پندهایی از جانب «کریشنا» (که نماد ظهور نور ایزدی در عالم محسوسات است) به «آرجونا» داده می‌شود.

در آیین بودا، داستان، نقشی اساسی دارد. خود «بودا» (Buddha) به‌عنوان پایه‌گذار مکتب اخلاقی‌اش، بسیاری از مواقع، برای بیان دیدگاه‌ها و آموزه‌هایش که به «آیین» یا «دارما» (Dharma) شهرت دارد، ابتدا داستان کوتاهی ذکر و متعاقب آن، موضوع مورد نظرش را بیان می‌کرد. در آیین «ذن» (Zen) بودایی که از شاخه‌های «مهایانه» (Mahayana) بودیسم محسوب می‌شود، داستان‌های واقعی و خیالی بسیاری دیده می‌شود که برای رهروان آیین، جنبه‌ی آموزشی دارد.

آیین «دائو» (Dao) یا «تائو» (Tao)، از ادیان چین باستان محسوب می‌شود. این آیین را «لائوتزه» (LaoTze) یا «استاد پیر» بنا نهاد. در این مکتب نیز، از بزرگان دائویسم، داستان‌ها و روایت‌های داستان‌گونه‌ی بسیاری به‌چشم می‌خورد که حاوی آموزه‌های آیینی‌ست. در این میان «چوانگ‌تزو» (Zhuangzi) از بزرگان این آیین، در دست‌نوشته‌های خود، داستان‌های بسیار قابل توجه‌ای را ذکر می‌کند.

در نهایت باید توجه داشت که داستان‌های کهن، چه مذهبی باشند و چه غیرمذهبی، همواره برای انسان‌ها جذاب بوده و حاوی تجربه‌هایی در بطن خود هستند. و البته خود تاریخ نیز، یک داستان است.
